

تحلیل اخلاقی مسئله افشای سرّ در فرآیند مشاوره (با رویکرد اسلامی)

اکبر عروتی موفق*

چکیده

رازداری یکی از مسائل اخلاقی بسیار مهم به ویژه در فرایند روان‌شناسی و مشاوره است. به همین علت در نظام‌نامه اخلاقی سازمان روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است. مسئله افشای اسرار یکی از چالش‌های مهمی است که روان‌شناسان و مشاوران با آن مواجه هستند. در این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی تنظیم گردیده مسئله رازداری و موارد نقض آن از منظر آموزه‌ها و تعالیم اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، افشای اسرار جایز نیست مگر در مواقع بسیار ضروری که جان و عرض مراجع یا شخص دیگری در خطر باشد در این صورت به جهت مصلحت عقلی و از باب قاعده الا هم فالاهم و دفع افسد به فاسد آن هم در حد ضرورت جایز دانسته شده است. برخی مصادیق دیگر در انی حوزه مسئله مقاله پیش روست.

واژگان کلیدی

رازداری، روان‌شناسی، مشاوره، افشای اسرار، اخلاق کاربردی، اخلاق مشاوره.

طرح مسئله

بدون تردید راهنمایی و مشاوره یک ضرورت عقلایی است و هیچ انسانی در طول زندگی خود از مشورت و تبادل نظر با دیگران بی‌نیاز نیست. زیرا یک انسان هر چقدر هم که از نظر فکری نیرومند و باتجربه بوده و به هر سطحی از رشد عقلی هم رسیده باشد ممکن است نتواند به تمامی ابعاد و زوایای یک مسئله دست‌یافته و یا در انتخاب راه حل‌ها بهترین و کامل‌ترین را انتخاب نماید. لذا به علت پوشیده ماندن بعضی از ابعاد مسئله امکان دارد فرد در مرحله تصمیم‌گیری و یا هنگام عمل به خطا رفته و خود را درگیر مشکلات دیگری نماید. انسان با تبادل نظر و استفاده از آراء و اندیشه‌های دیگران امکانات، محدودیت‌ها و موقعیت را به‌خوبی شناسایی کرده و از هدر رفتن فرصت‌ها جلوگیری می‌نماید. از طرف دیگر در زندگی اجتماعی به میزانی که جامعه گسترش یافته و روابط پیچیده‌تر می‌شود، مسائل و مشکلات بیشتری به وجود می‌آید. همان‌گونه که امروزه انسان با مشکلات عظیم و پیچ‌درپیچی روبه‌رو است به همین علت در این شرایط دشوار نیاز به مشاوره احساس می‌شود.

بنابراین مشورت و نظرخواهی از افراد متخصص و آشنا شدن با دیدگاه‌های مختلف بازتاب شگرفی در فرد و جامعه دارد و می‌توان گفت مشورت مستمر کلید حل بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی است. (بهشتی، ۱۳۷۹: ۱۴۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی رضی الله عنه وصیت فرمود: ای علی هیچ پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت کردن در کارها نیست. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۴ / ۷۰) امام صادق رضی الله عنه از پدرش نقل فرموده است که شخصی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: حزم و احتیاط در کارها چیست؟ حضرت فرمود مشاوره کردن با صاحبان رأی و پیروی کردن از آنها. (همان: ۷۲ / ۱۰۰) از این‌رو امروزه با گروه‌های تخصصی مشاوره نظیر: مشاوره تحصیلی، مشاوره شغلی، مشاوره سازمانی، مشاوره توان بخشی، مشاوره زناشویی و خانواده، مشاوره سازگاری و ... مواجه هستیم که محل مراجعه افراد و اشخاص می‌باشند.

اضافه بر اینها صاحبان مشاغل دیگری نیز مثل روان‌شناسی، پزشکی، وکالت و ... نیز امروزه به‌طور تنگاتنگ با مردم در ارتباط هستند، در این مراجعات به‌طور طبیعی مراجعان مطالبی را از مسائل شخصی، خانوادگی، شغلی و ... را که جزء اسرارشان می‌باشد در اختیار آنها قرار می‌دهند. در این مراجعات که عموماً از روی ناچاری صورت می‌گیرد از یک طرف دائماً دغدغه بر ملا شدن اسرار مراجعین را آزار می‌دهد. آنها دائماً نگران این هستند که نکند اسراری که مطرح نمودیم به گونه‌ای فاش شده و یا مورد سوء استفاده قرار گیرد. از طرف دیگر در رابطه با مسئله رازداری در مشاغل مثل مشاوره، روان‌شناسی،

تحلیل اخلاقی مسئله افشای سرّ در فرآیند مشاوره (با رویکرد اسلامی) □ ۹

پزشکی، وکالت و ... با سؤالاتی مواجه هستیم از جمله: صاحبان حرف فوق تا چه اندازه ملزم به حفظ اسرار مراجعین هستند؟ چه تضمین‌هایی برای امنیت خاطر مراجعین در زمینه حفظ اسرار وجود دارد؟ آیا استثناهایی برای حفظ اسرار مراجعین در مشاغل فوق وجود دارد؟

در منشور اخلاقی مشاوران و روان‌شناسان رازداری یکی از اصول مهم و قابل توجه است و مشاوران ملزم به حفظ اسرار مراجعان می‌باشند، ولی در همین منشور به مواردی اشاره شده که بر اساس آن مشاوران و روان‌شناسان می‌توانند اسرار مراجعان را افشا نموده و در اختیار مراجع ذی‌صلاح قرار دهند. درحالی‌که مسئله افشای اسرار امنیت روحی و روانی مراجعان را به مخاطره انداخته و سلب اعتماد می‌نماید.

بنابراین مسئله افشای اسرار مراجعان و در اختیار گذاشتن اطلاعات موجود به مراجع ذی‌صلاح یا دیگران به‌عنوان یک مسئله مهم مطرح می‌باشد. در این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی تنظیم گردیده با تحلیل اخلاقی مسائل رازداری در روان‌شناسی و مشاوره با تأکید بر آموزه‌ها و تعالیم اسلامی، مسئله افشای سرّ در فرآیند مشاوره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. معناشناسی راز

راز در لغت به معنای مطلب پوشیده و امر پنهان است. (معین، ۱۳۷۱: ۲ / ۱۶۱۹) و افشای چیزی یعنی ظاهر کردن و انتشار آن در میان مردم می‌باشد. (طریحی، ۱۳۶۷: ۳ / ۴۰۳) در بیان علمای اخلاق، افشا و اشاعه راز اعم از کشف و آشکار ساختن عیب است. زیرا راز، گاهی از عیب است و گاهی عیب نیست؛ لیکن افشای آن موجب ایذا و اهانت به حق دوستان یا دیگر مسلمانان است. (نراقی، ۱۳۶۶: ۲ / ۳۶۵) خواه آشکار ساختن راز به گفتار باشد یا به نوشتن یا به رمز و اشاره و خواه آنچه نقل شده از اعمال باشد یا از اقوال و خواه بر کسی که از او نقل می‌شود عیب و نقصی باشد یا نباشد، این عمل (افشای راز) در شرع، مذموم و صاحب آن در نزد عقل و عقلا مورد سرزنش واقع شده است. مرحوم نراقی عواملی را به‌عنوان منشأ افشا و اشاعه راز ذکر می‌کند.

او می‌گوید:

اگر منشا آن عداوت باشد، از ردائل قوه غضب است و اگر سرچشمه آن سود مالی باشد، از ردائل قوه شهوت به شمار می‌رود؛ یا ممکن است صرفاً ناشی از خباثت نفس باشد، و به هر حال مذموم و مورد نهی است. (همان)

برخلاف بعضی از ردائل اخلاقی که مستثنیاتی برای آنها در کتاب‌های اخلاقی ذکر می‌شود. در افشا و اشاعه راز، هیچگونه استثنایی در کتاب‌های اخلاقی بیان نشده است. از نظر علمای اخلاق ضد افشا و اشاعه، سرنگهداشتن و کتمان آن است که آن را از افعال پسندیده به‌شمار آورده‌اند. (همان: ۳۶۶)

۲. قلمرو رازداری

رازها را از یک نظر می‌توان به سه قسم شخصی، اجتماعی و تشکیلاتی - حکومتی تقسیم کرد. گستره و قلمرو رازداری نیز به‌طور طبیعی در این سه حوزه قابل طرح و بررسی می‌باشد.

الف) رازهای شخصی

هر فردی از افراد انسان از نظر اعتقادی (اعم از مذهبی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ...)، اخلاقی (فردی، خانوادگی، اجتماعی) و عملکردی، ویژگی‌ها و خصایصی دارد که ممکن است دیگران از آن اطلاعاتی نداشته باشند، بسته به جایگاه و اهمیت این ویژگی‌ها و خصوصیات، این مسائل جزء رازهای شخصی انسان محسوب می‌شود، حال سخن در این است که آیا انسان می‌تواند رازهایش را برای دیگران بازگو کند؟ اگر جواب مثبت باشد برای چه کسانی و در چه سطحی؟ مسلماً انسان عاقل باید سینه خود را صندوقچه اسرارش قرار داده و از طریق رازداری، خود را از پیامدهای ناگوار افشای اسرار مصون بدارد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

سرک اسیرک فان افشیته صرت اسیره. (خوانساری، ۱۳۶۶: ۴ / ۱۴۶)

راز تو، مادامی‌که آن را برملا نکرده‌ای، اسیر توست، ولی اگر آن را فاش کردی تو اسیرش می‌شوی.

زیان افشای راز به حدی است که به فرموده ایشان حتی اگر انسان آن را به همسر و یا زیردستانش بگوید، ناخواسته خود را برده آنها ساخته است. (همان: ۶ / ۲۷۱)
در بیان دیگری حضرت فرمود:

انجح الامور ما احاط به الکتمان. (همان: ۲ / ۴۵۸)

امری که اطراف آن را کتمان گرفته باشد، به نجات و موفقیت نزدیک‌تر است.

انسانی که هدفی را دنبال می‌کند، لازم است اطراف و جوانب آن را مخفی بدارد تا به نتیجه

تحلیل اخلاقی مسئله افشای سرّ در فرآیند مشاوره (با رویکرد اسلامی) □ ۱۱

مطلوب برسد، اگر افشای آن بی ضرر بود، می تواند آن را فاش سازد، ولی بازگویی کارهای استحکام نیافته و به نتیجه نرسیده موجب بروز موانع و سنگ اندازی هایی می شوند که نمی گذارد انسان به هدفش برسد.

امام جواد علیه السلام نیز در این زمینه می فرماید:

اظهار الشئ قبل ان يستحکم مفسده لها. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۲ / ۷۱)

اظهار کردن چیزی که هنوز استوار نشده، موجب تباهی آن می گردد.

امام صادق علیه السلام، معیاری را برای میزان و مقدار آشکار نمودن رازها، بیان فرموده اند:

لا تطلع صدیقک من سرک الا علی ما لو اطع علیه عدوک لم یضرک فان الصدیق قد یکون

عدوک یوماً ما. (همان: ۱۷۷ / ۷۱)

دوستت را از رازت آگاه مساز، مگر درباره اموری که اگر دشمنت از آنها آگاهی یافت، زیانی برای تو نداشته باشد؛ زیرا چه بسا دوستت روزی دشمن تو گردد. (و چون نقاط ضعف را می داند، با آن تو را بکوبد.)

به همان اندازه که محافظت از رازهای شخصی در موفقیت انسان نقش دارد، برملا نمودن آنها موجب ناکامی انسان در رسیدن به هدفها می شود و اسباب پشیمانی انسان را فراهم ساخته و غم و اندوه را با خود به ارمغان می آورد. علی علیه السلام می فرمود:

سرک سرورک ان کتمته، وان اذعته کان ثبورک. (خوانساری، ۱۳۶۶: ۴ / ۱۴۱)

راز تو شادی توست، اگر آن را پنهان داری، و اگر فاش کردی (سبب) ناله و جزع تو خواهد شد.

همچنین می فرماید:

من افشي سرک ضیع امرک. (همان: ۲۲۶ / ۵)

هر کس رازی از تو فاش کند، کار تو را تباه ساخته است.

آنچه از منابع و متون اسلامی برمی آید این است که آدمی باید به هر نحو ممکن از اسرار شخصی خودش محافظت نماید. اما در صورت ضرورت و نیاز به مشاوره باید از مشاورین موثق، امین و رازدار بهره گرفت. علی علیه السلام فرمود: «من اسرّالی غیر ثقه ضیع سرّه». (همان: ۲۵۷) و یا در سخنی دیگر بیان راز به فرد رازدار را از توفیقات انسان به شمار می آورد: «من توفیق الرجل وضع سرّه عند من یستره». (همان: ۴۷ / ۶)

ب) رازهای اجتماعی

دومین قسم از اقسام رازها، رازهای اجتماعی است. این قسم از رازها گاهی به واسطه نوع شغل و حرفه آدمی در اختیار وی قرار می‌گیرد و گاهی نیز مربوط به شغل و حرفه فرد نمی‌باشد. منظور از رازداری اجتماعی، حفظ اسرار مردم در مسائل مربوط به آنها و بیان نکردن نقاط ضعف آنان در این زمینه است. افشای این گونه رازها از دیدگاه اسلام جایز نیست، قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «ان الذين يحبون ان تشيع الفحشه في الذين ءامنوا لهم عذاب اليم في الدنيا و الاخره...؛ همانا برای کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان اهل ایمان شایع گردد، در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است...». (نور / ۱۹)

کلمه فاحشه یا فحشا در قرآن مجید غالباً در مورد انحرافات جنسی و آلودگی‌های ناموسی به کار رفته، ولی از نظر مفهوم لغوی چنان‌که راغب در مفردات می‌گوید: فحش و فحشا و فاحشه به معنی هر گونه رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ و آشکار باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۶) پس هر گونه نشر فساد و اشاعه زشتی‌ها و قبیح و کمک به توسعه آنها را اشاعه فحشا می‌گویند. از نظر اسلام اشاعه فحشا، در میان مؤمنان حرام و از گناهان کبیره است. (نجفی، ۱۴۱۰: ۱۳ / ۳۱۵) با عنایت به این که انسان یک موجود اجتماعی است و پاکی و سلامت جامعه به پاکی و سلامت او کمک می‌کند، به همین سبب در اسلام با هر کاری که جو جامعه را مسموم یا آلوده کند شدیداً مبارزه شده است، و اگر می‌بینیم در آیه فوق موضوع اشاعه فحشا با لحنی بسیار شدید و فوق‌العاده کوبنده محکوم شده، دلیلش همین است. هر کس علاوه بر رازهای خود که وظیفه دارد آنها را درون صندوقچه اسرار وجودیش حفظ نماید، همچنین وظیفه دارد اسرار دیگران را نیز که به هر نحوی از آن مطلع گشته، فاش نگرداند و ظرفیت حفظ اسرار خود و دیگران را در وجودش فراهم آورد. علی‌علیه افشا و برملا نمودن اسرار دیگران را از زشت‌ترین کارها به‌شمار آورده و می‌فرماید: «اقبح الغدر اذاعه السر» (خوانساری، ۱۳۶۶: ۲ / ۳۹۹) و همچنین آن را خیانت می‌داند. «الاذاعه خیانه» (همان: ۱ / ۳۹) رازداری نه تنها یک وظیفه فردی بلکه یک وظیفه اجتماعی، نظامی و دینی نیز می‌باشد. ولی این که آیا این قاعده کلی استثنائاتی را هم شامل می‌شود یا نه؟ در جایگاه خود مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

ج) رازهای تشکیلاتی - حکومتی

بخشی دیگر از رازها، رازهای تشکیلاتی - حکومتی است. حفظ این نوع رازها به مراتب مهم‌تر از سایر

تحلیل اخلاقی مسئله افشای سرّ در فرآیند مشاوره (با رویکرد اسلامی) □ ۱۳

اسرار است. چرا که پیامدهای افشای آن بسیار ناگوارتر و زیان‌بارتر از سایر رازهاست. رسول خدا ﷺ در جنگ‌ها از این شیوه بهره می‌گرفت و نقشه جنگ و برنامه عملیات و گاهی هدف حرکت نظامی و اعزام نیرو و نفرات را پنهان می‌داشت. (آیتی، ۱۳۶۶: ۲۵۵) در جریان نهضت امام حسین ﷺ، جاسوس ابن زیاد با شیوه‌ای مرموزانه اعتماد مسلم بن عوسجه را جلب کرده و از مخفیگاه مسلم بن عقیل آگاه گردید. این بی‌دقتی منجر به دستگیری و شهادت هانی و مسلم شد. (شیخ مفید، بی‌تا: ۲ / ۴۶) امام صادق ﷺ فرمود: «کتمان سرّنا جهاد فی سبیل الله» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲ / ۶۴، ۱۴۷) حفظ اسرار تا آن اندازه دارای اهمیت است که حافظ سرّ مانند مجاهد در راه خداست، جهادی که آدمی را از ضعف نفس و سستی اراده به قوت ایمان و استواری در دین می‌رساند و او را چون مجاهد در راه خدا قلمداد می‌کند.

۳. رازداری در قرآن

در قرآن کریم در آیات متعددی رازداری سفارش و افشا و اشاعه راز مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است. از جمله در سوره آل عمران در مورد حفظ اسرار این گونه فرموده:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید محرم اسراری غیر از خودتان انتخاب نکنید، آنها از هرگونه شر و فساد در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند. (آل عمران / ۱۱۸)

در این آیه خداوند همه مؤمنان را مورد خطاب قرار داده و فرمان داده: غیر مسلمانان و بدخواهان اسلام و مسلمین را محرم اسرار خود ندانید و آنها را از اسرار مسلمانان مطلع نکنید. در واقع این آیه کریمه به لزوم حفظ اسرار و نکوهش از افشای سرّ اشاره دارد. البته باید توجه داشت که این آیه و آیه قبل از آن، ناظر به اسرار شخصی نیست بلکه ناظر به اسرار جامعه اسلامی است که افشای آن به مسلمین ضربه وارد می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۳ / ۸۰)

در سوره تحریم نیز بعضی از همسران پیامبر به خاطر ترک رازداری شدیداً مورد ملامت و سرزنش قرار گرفته‌اند (تحریم / ۳) صاحب تفسیر اطیب البیان ذیل آیه ۱۵۹ سوره بقره، انواع کتمان را از نظر حکم شرعی مورد بررسی قرار داده و می‌گوید:

کتمان بسا واجب یا مستحب است و آن کتمان سرّ است که بحسب موارد آن واجب یا مستحب می‌گردد مانند کتمان سرّ برادران دینی و کتمان سرّ ائمه اطهار ﷺ و تقیه و اخبار در مدح آن بسیار وارد شده و اذاعه و فاش نمودن سرّ که ضد کتمان است بسیار مذموم و

بسا موجب قتل نفوس و افساد بین مسلمانان و بسا موجب قتل امام علیه السلام می‌گردد. و کتمان بسا حرام و کبیره و بلکه موجب کفر و خلود در عذاب می‌گردد و آن کتمان علم است در جایی که اظهار آن واجب باشد و مورد تقیه هم نباشد. (طیب، ۱۳۷۸: ۲ / ۲۶۶)

در سوره یوسف، حضرت یعقوب علیه السلام خطاب به حضرت یوسف علیه السلام این گونه می‌فرماید:

فرزدم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن که برای تو نقشه خطرناک می‌کشند، چرا که شیطان دشمن آشکار انسان است. (یوسف / ۵)

از درس‌هایی که این آیه به ما می‌آموزد، درس حفظ اسرار است، حتی در مقابل برادران نیز باید عملی شود، زیرا همیشه در زندگی انسان اسراری وجود دارد که اگر فاش شود ممکن است آینده فرد یا جامعه را به خطر اندازد، خویشتن‌داری در حفظ این اسرار یکی از نشانه‌های وسعت روح و قدرت اراده است، چه بسیارند افرادی که به خاطر ضعف در این قسمت سرنوشت خویش و یا جامعه‌ای را به خطر افکنده‌اند و چه بسیار ناراحتی‌هایی که در زندگی به خاطر ترک حفظ اسرار برای انسان پیش می‌آید. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۱: ۹ / ۳۱۹)

۴. رازداری در روایات

مسئله رازداری در روایات منقول از معصومین علیهم السلام از زوایا و ابعاد گوناگون قابل بررسی می‌باشد. علامه مجلسی رحمته الله در کتاب *بحارالانوار* بابی را به «فضل کتمان السرّ و ذم الاذاعه» اختصاص داده است. در این باب روایتی از علی علیه السلام نقل شده که حضرت فرمود:

جمع خیر الدنيا والاخره في كتمان السرّ و مصادقه الاخيار و جمع الشرّ في الاذاعه و مؤاخاه الاشرار. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۲ / ۷۱)

تمام خیر دنیا و آخرت در دو چیز نهفته است، کتمان سرّ و دوستی با نیکان و تمام شرّ در دو چیز نهفته شده، افشای اسرار و دوستی با اشرار.

در بعضی از روایات تأکید شده که انسان اسرار خود را نزد خودش محفوظ بدارد و یا اگر در صورت ضرورت چیزی را باید برای دیگری بگوید در حدی بگوید که بعد علیه خودش استفاده نشود. (همان)

در برخی از روایات دعوت به رازداری شده و گفتار دیگران را امانت دانسته و افشای آن را حرام اعلام کرده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه کسی با شما سخن گفت و نگران (چپ و راست) بود، گفتار او

امانت است». (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۷۷) عبدالله ابن سنان به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد:

گفته شده است که عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ فرمود: بلی! گفتم مراد عورتین اوست؟ فرمود نه، چنین نیست بلکه فاش کردن سرّ اوست. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۵ / ۲۱۴، ح ۹؛ نراقی، ۱۳۶۶: ۲ / ۳۶۵)

در منابع روایی آثار مهمی برای رازداری بیان شده است. برخی از این آثار دنیوی و برخی نیز اخروی می‌باشد. در حدیثی از امام کاظم علیه السلام می‌خوانیم:

سه طایفه‌اند که در روز قیامت در سایه عرش خدا قرار دارند، روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست: کسی که وسائل تزویج برادر مسلمانش را فراهم سازد، و کسی که به هنگام نیاز به خدمت، خدمت‌کننده‌ای برای او فراهم کند و کسی که اسرار برادر مسلمانش را پنهان دارد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۱ / ۳۵۶)

۵. رازداری در فرآیند مشاوره

رازداری یکی از مهم‌ترین اصول حرفه‌ای در امر مشاوره و روان‌شناسی و دیگر مشاغل نظیر آن است. به همین علت در نظام‌نامه اخلاقی سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران مصوب شهریور ماه سال ۱۳۸۶ مسئله رازداری مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۴ این نظام‌نامه به مسائل مربوط به رازداری پرداخته است. مسائل مربوط به این ماده در چهار بند به تفصیل بیان شده است:

۱. روان‌شناسان و مشاوران برای محافظت از اطلاعات محرمانه به دست آمده در حوزه فعالیت حرفه‌ای خود اقدام‌های احتیاطی لازم را به عمل می‌آورند.
۲. روان‌شناسان و مشاوران برای ارزیابی، تشخیص، درمان و پژوهش فقط به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز می‌پردازند و از هرگونه دریافت اطلاعات اضافی اجتناب می‌کنند.
۳. روان‌شناسان و مشاوران در ثبت و گزارش اطلاعات به گونه‌ای عمل می‌کنند که امکان سوءاستفاده از آن وجود نداشته باشد.

۴. روان‌شناسان و مشاوران قبل از ضبط صوتی یا تصویری جلسات، از مراجعان یا نمایندگان قانونی آنها رضایت‌نامه کتبی دریافت می‌کنند. (بهشتی، ۱۳۸۷: ۱۴۱)

رازداری در نظام‌نامه اخلاقی مشاوران سایر کشورها نیز مورد توجه است به‌عنوان نمونه، در نظام‌نامه اخلاقی انجمن مشاوره آمریکا نیز رازداری مهم‌ترین مسئله اخلاقی بوده، با وجود ذکر عمومی لزوم رعایت این امر در چند قانون، در مواردی بیشتر بدان تأکید شده است. در این نظام‌نامه به چند روش رازداری نیز توجه شده

است؛ مانند عدم افشای هویت مراجع، تغییر شکل داده‌ها در انتشار و اطمینان از تعیین سیاست‌هایی برای محرمانه ماندن اطلاعات در گزارش به مؤسسات مرتبط با مراجع. (امامی راد و فقیهی، ۱۳۸۹: ۵۰)

مشاوری که انسان به او اعتماد کرده و مسائل شخصی، خانوادگی، شغلی و ... را برایش بازگو می‌کند باید رازنگهدار باشد و اسرار مراجعین را نزد خود امانت بداند همان‌گونه که نباید امانت مردم را بدون اجازه و هماهنگی به دست دیگری سپرده و یا در آن دخل و تصرف نمود، در مورد اسرار دیگران هم باید همین طور بود. گاهی جان، مال و عرض افراد در گرو اسراری است که به امانت گذاشته‌اند. پس مشاور نباید در امانت خیانت نماید. علی علیه السلام فرمود: «المستشار مؤتمن؛ مشاور امانت دار است». (مجلسی، همان: ۷۲ / ۱۰۱)

در روایت دیگر حضرت می‌فرماید:

کن باسرارک بخیلا و لاتذع سرا اودعته فان الاذاعه خیانه. (خوانساری، ۱۳۶۶: ۴ / ۶۱۰)

به اسرار خویش بخیل باش و آنها را با هر کس در میان مگذار، و رازی که به تو سپرده شده، فاش مکن که این کار خیانت است.

در بیانی امام حسین علیه السلام صراحتاً راز را امانت معرفی می‌نماید: «الصدق عزّ... والسرّ امانة». (دشتی، ۱۳۸۱: ۳۸)

۶. عواقب و آثار اخلاقی افشای اسرار در مسائل حرفه‌ای

افشای اسرار در مسائل حرفه‌ای عواقب و آثار نامطلوب و زیان‌باری را در بعد فردی و اجتماعی می‌تواند به همراه داشته باشد. به همین علت در آیات و روایات هم شدیداً مورد نکوهش و مذمت واقع شده است. بعضی از عواقب و آثار نامطلوب اخلاقی افشای اسرار عبارتند از:

الف) ریخته شدن آبرو و هتک حیثیت افراد

حفظ آبرو و حیثیت انسان‌ها از مسائل بسیار مهم و اساسی می‌باشد. به همین علت در تعالیم و آموزه‌های اسلامی به شدت مورد توجه واقع شده قرار گرفته و ریختن آبروی مؤمن از گناهان کبیره و عملی حرام است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «کل المسلم علی المسلم حرام: دمه و عرضه و ماله» (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۲۷)

در بیانی دیگر آن حضرت حرمت آبروی مؤمن را هم تراز با خون و مال او دانسته و می‌فرماید: «ان حرمه عرض المؤمن کحرمه دمه و ماله». (تویسرکانی، ۱۳۷۳: ۵ / ۲۲۶)

همچنین آن حضرت در سفارش دیگری فرمود: پرده هیچ مسلمانی را مدیریت. «لاتخرق علی احد

سترّاً» (قضاعی، ۱۳۶۱: ۳۵۰) یکی از مظاهر و مصادیق پرده‌داری بر ملا کردن اسرار انسان‌هاست و بسیاری از اوقات قابل جمع کردن و جبران نمودن نمی‌باشد. امام جعفر صادق علیه السلام با عنایت به این مسئله مهم فرمود: «إِذَا رَقَّ الْعَرَضُ أُسْتُصِبَ جَمْعُهُ». (دیلمی، ۱۴۰۸: ۳۰۳)

ب) حاکمیت روح بی‌اعتمادی و بدبینی در جامعه

در جامعه مشاغل زیادی وجود دارد که محل رجوع مردم می‌باشد و مردم در بسیاری از مواقع ناگزیر از مراجعه هستند به‌عنوان نمونه رجوع به وکیل، یا مشاور حقوقی، پزشک، داروساز، روان‌شناس، مددکار اجتماعی، مشاور خانواده و ... امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است از طرف دیگر لازمه دریافت پاسخ درست و نتیجه کارآمد از این مراجعه ارائه کامل و دقیق اطلاعات می‌باشد، حال اگر اسرار موجود در نزد اقتشار ذکر شده به انحاء مختلف بر ملا گردد. جوّ بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به صاحبان مشاغل و حرّف فوق ایجاد خواهد شد و این امر آسیب‌های اخلاقی مهمی را در پی دارد. امام علی علیه السلام فرمود: «لَا تَتَّقِ بَيْنَ يَدَيْهِ سِرّاً» (خوانساری، ۱۳۶۶: ۶ / ۲۷۱) انسانی که اسرار مردم را فاش می‌نماید در واقع اسرار مردم را بازیچه افکار خویش ساخته و از اعتمادی که به او شده سوءاستفاده نموده است از این جهات دیگران به او اعتماد نخواهند کرد و دیگر او این موقعیت را به دست نمی‌آورد که امین و رازدار مردم باشد و موقعیت‌های اجتماعی، شغلی و ... خویش را به خطر می‌اندازد. از جمله علی علیه السلام می‌فرماید:

من غشّ مستشیره سلب تدبیره. (همان: ۱ / ۵۸۹)

کسی که با مشورت کننده‌اش خالص نباشد، تدبیرش ربوده خواهد شد.

ج) سلب آرامش روحی و روانی

اینکه انسان‌ها دائماً اسرار فردی، خانوادگی، شغلی و ... خود را در معرض بر ملا شدن ببینند باعث ایجاد دغدغه و استرس شده و آرامش روحی و روانی آنها را دچار اختلال می‌نماید. ترس دائمی از برملا شدن یا مورد تهدید قرار گرفتن آرامش روحی و روانی را از فرد و حتی اطرافیان فرد نیز سلب می‌کند. آیا از نظر اخلاقی سلب آرامش روحی و روانی شهروندان در یک جامعه امری مقبول است؟ چنان که در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام آمده است:

من لم يحسن ظنه استوحش من كل احد. (همان: ۵ / ۴۴۲)

کسی که گمان بد داشته باشد از هر کسی می‌ترسد و وحشت دارد.

در بیان دیگری آن حضرت فرمود: «مردم از ترس خواری به سوی ذلت و خواری می‌شتابند.» (همان: ۲ / ۱۵۶) به عبارت دیگر برملا شدن اسرار آرامش روحی و روانی انسان را برهم‌زده و ترس و وحشت را بر انسان مستولی می‌گرداند و کسی که گرفتار ترس و وحشت می‌گردد در زندگی آرامش‌خاطر ندارد. (همان: ۵ / ۵۸)

د) به مخاطره افتادن امنیت اجتماعی

موارد مذکور به طور طبیعی امنیت اجتماعی افراد را در جامعه به مخاطره می‌اندازد. البته وقتی امنیت اجتماعی آسیب‌پذیر شد، دیگر هیچ فردی امنیت نخواهد داشت و این امر خود به گونه‌ای دامن‌گیر کسانی که، به گونه‌ای جزء رازداران هستند نیز می‌گردد. علی‌علیه می‌فرماید:

کسی که پرده از روی اسرار برادر مسلمانش بردارد خداوند عیوب و اسرار او را برملا می‌کند. (همان: ۵ / ۳۷۱)

همچنین فرمود:

تمام خیر دنیا و آخرت در این دو چیز نهفته شده: کتمان سر و دوستی با نیکان و تمام شر در این دو چیز نهفته شده: افشای اسرار و دوستی با اشرار. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۱ / ۱۷۸ و ۷۲ / ۷۱)

با تأملی اندک در این جمله کوتاه و پر معنای امام علی‌علیه در می‌یابیم که بسیاری ناکامی‌ها و نافرجامی‌ها از برملا شدن اسرار و رازهای خود ما صورت می‌پذیرد زیرا انسان‌ها با فاش شدن اسرار نیک و بدشان، امنیت روانی و اجتماعی و آسودگی خاطر خود را از دست داده و هر لحظه احتمال آن وجود دارد که مشکلاتی برای آنها از ناحیه دیگران به وجود آید. امام صادق‌علیه فرمودند:

مردم به دو خصلت مأمور شدند اما آنها را تباه کردند و از این‌رو همه چیز را از دست دادند: شکیبایی و رازداری. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۲۲۲)

از امام هادی‌علیه روایت شده که آن حضرت فرمود: «من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۸۳) گاهی با بر افتادن پرده اسرار و افشای مسائل پنهان اشخاص و افراد و هتک حیثیت از آنها، شاهد حرکات انتقام‌جویانه، پرخاشگری‌ها و رفتارهای ناپه‌نجان می‌باشیم. و نهایتاً این که به فرموده پیامبر گرامی اسلام ﷺ بر اساس سنت الهی:

هر کس برای عیب‌جویی و فاش کردن اسرار برادر دینی‌اش قدم بردارد اولین قدم او

ورود به جهنم خواهد بود و خداوند اسرار و عیوب او را نزد همه خلائق فاش و علنی خواهد ساخت. (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۲۸۸)

۷. بررسی موارد مجاز نقض رازداری از دیدگاه آموزه‌های اسلامی

در اسلام یک سلسله اصول کلی، ثابت و مطلق اخلاقی وجود دارد که تحت هیچ شرایطی تغییر نمی‌کند، اما مصادیق آنها تغییرپذیر است؛ مثلاً عنوان کلی صداقت و راستی مطلقاً ارزشمند است، اما گاهی مصادیق آن تغییر می‌کند. راست گفتن تا آن جا که به صلاح فرد یا جامعه است، با ارزش می‌باشد، اما اگر همین عمل بر خلاف مصالح فرد و جامعه بود؛ مثلاً جان انسانی را در معرض خطر و هلاکت قرار می‌داد، گناه و ضد ارزش خواهد بود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۵: ۱۶۳)

ملاک کلی ارزش اخلاقی، مصلحت عمومی فرد و جامعه و مصلحت واقعی انسانیت است. مصلحت یعنی هر چیز که موجب کمال و صلاح واقعی انسانیت است، نه چیزی که دلخواه افراد و مورد خوشایند آنهاست و این موضوع با آن چه که نسبت خوانده می‌شود، متفاوت است.

عناوین و ملاک‌های کلی از قبیل: کمال انسانیت، عدالت، راستی و ... تغییر ناپذیرند، اما مصادیق آنها بر حسب زمان و مکان، متفاوت است. به طور خلاصه می‌توان گفت اصول اخلاقی و اصول ارزش‌ها در اسلام، مطلق و ثابت، اما از جهت مصادیق، انعطاف‌پذیر بوده و وابسته به زمان و مکان هستند. البته باید توجه داشت که خود زمان و مکان عوامل اصلی تغییردهنده نیستند، بلکه حاکی از عوامل دیگر از قبیل وجود مصالح خاصی است که آن مصالح، مقتضی تغییر است. (همان، ۱۳۸۵: ۱۵۵)

۸. مصلحت اخلاقی در رازداری

یکی از اساسی‌ترین مسائل در اخلاق کاربردی، بحث تراحم‌های اخلاقی است که در اصطلاح فلاسفه غرب، از آن با عنوان «تنگنای اخلاقی» (Moral Dilemma) یا «تعارض اخلاقی» (Moral Conflicts) یاد می‌کنند.

مسئله تعارض و تراحم، علاوه بر اخلاق کاربردی در علوم هم چون اصول فقه، حقوق، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت نیز مطرح می‌باشد ولی در هر یک از این علوم به این مسئله از منظری متفاوت نگاه شده است. (بهرامی و فرامرز قراملکی، ۱۳۹۱: ۳۰) این بحث در قلمرو اخلاق، اغلب در دو سطح مورد توجه قرار می‌گیرد: ۱. در مقام ارزش داوری؛ ۲. تشخیص تکالیف اخلاقی. (همان: ۳۲)

تعارض‌هایی که در برخی مشاغل اتفاق می‌افتد، به لحاظ حساسیت بالای آن مشاغل، بسیار جدی هستند. در مباحث زیست‌پزشکی و مباحث بیوتکنولوژی نمونه‌های فراوانی از این تعارض‌ها وجود دارد که

متخصصین این حوزه‌ها را که دغدغه اخلاقی بودن دارند، دچار نگرانی نموده و دست نیاز ایشان را به سمت اندیشمندان اخلاق دراز کرده است. در یک دسته‌بندی می‌توان تعارض اخلاقی را به تعارض «حداقلی» و «حداکثری» تقسیم کرد. تعارض حداقلی، تعارضی است که به دلیل ترجیح یکی از طرفین تعارض، قابل حل است و وظیفه اصلی، انجام طرف راجح است ولی تعارض حداکثری، تعارضی است که به دلیل عدم ترجیح یکی از طرفین نمی‌توان وظیفه اصلی را تشخیص داد. نکته مهمی که در مسئله تعارضات اخلاقی به نظر می‌رسد، این است که ما در بیشتر تعارضات اخلاقی دچار بن بست موهوم «یا» شده ایم. این نگاه، خود نوعی تحویلی نگری است. به‌عنوان نمونه در صورت ایجاد تعارض یا باید راست گفت و افشای راز نمود و یا راز نگهداشت. به همین جهت دنبال راه سوم نمی‌رویم در حالی که در حل تعارض‌ها برای گریز از بن بست موهوم باید در جست و جوی راه سوم بود. باید ابعاد تعارض را تحلیل کرد، تمامی راه‌های احتمالی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد تا نهایتاً به راه حل سوم دست یافت، آنها را از نظر مصلحت و مطلوبیت بررسی و وزن دهی کرد، راه‌های مطلوب را آزمود و مطلوب‌ترین آنها را انتخاب کرد. (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۳: ۲۱۹)

در حوزه علوم اسلامی، مسئله تزامم و برخورد میان وظایف - اعم از اخلاقی و حقوقی - مورد توجه جدی عالمان اصول بوده و در مبحث «تزامم» مورد گفتگو قرار گرفته است. آنان علاوه بر بیان اقسام تزامم و برخورد ارزش‌ها در مقام عمل، ملاک‌هایی را نیز برای ترجیح یکی بر دیگری بیان نموده‌اند. (نائینی، ۱۴۰۴: ۲ / ۳۱۷ و ۳۳۵؛ مظفر، ۱۴۲۴: ۲ / ۱۲۵ - ۱۲۷) در مرتبه ترجیح یکی از طرفین، مهم‌ترین قاعده عقلی که می‌توان از آن استمداد جست، قاعده عقلی «تقدیم اهم بر مهم» است. بدین منظور از لابه‌لای متون دینی و سیره عقلا، شاخص‌هایی را می‌توان به دست آورد که در برخورد با تزامم‌های اخلاقی، برای انسان مؤثر واقع شود. امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «من اشتغل بغير المهم، ضیع الأهم»؛ (خوانساری، ۱۳۶۶: ۵ / ۳۳۰)

از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده که آن حضرت فرمود:

عاقل آن نیست که تنها میان خوب و بد تمیز دهد، بلکه عاقل آن است که از میان بدها بهتر را بشناسد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۵ / ۶)

در روایتی دیگر از حضرت علی علیه السلام آمده است:

دل‌ها را روی آوردن و نشاط، و پشت کردن و فراری است؛ پس آنگاه که نشاط دارند آن را بر انجام مستحبات وادارید، و آنگاه که پشت کرده و بی‌نشاط است، به انجام واجبات قناعت کنید. (نهج‌البلاغه، ۳۱۲)

و یا در روایتی از امام علی بن الحسین علیه السلام آمده است: «آنگاه که واجب و مستحبی جمع شدند از واجب آغار می‌شود». (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۷۸)

با توجه به روایات و مطالب پیش گفته اساسی‌ترین ملاک عقلی و شرعی ترجیح در تزامم‌های اخلاقی و حقوقی، میزان اهمیت هر یک از وظایف است، یعنی هنگامی که ناگزیریم بین دو یا چند تکلیف اخلاقی، اطاعت و پایبندی به یکی را برگزینیم، باید مهم‌ترین آنها را برگزیده و بدان عمل نمود. یعنی در صورت مواجهه با تعارضات اخلاقی تقدیم اهم بر مهم می‌تواند ما را از تعارض خارج نماید. البته باید در به کار بستن قاعده انتخاب اهم در حل ناسازگاری اخلاقی به سه شرط اساسی توجه نمود: یک. سنجش دقیق و کمی دو طرف تعارض به ویژه بر اساس آثار هر دو طرف؛ دو. اهم و مهم بودن دو طرف؛ سه. محال بودن انتخاب هر دو. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۳: ۲۲۰)

نبود یکی از این سه شرط، عقلانیت به کار بستن قاعده انتخاب اهم را نفی می‌کند. در درجه‌بندی مصالح می‌توان به این موارد نیز توجه نمود: درجه‌بندی براساس احکام تکلیفی؛ درجه‌بندی براساس انواع واجب و حرام؛ تطبیق با اهداف کلی و اصول اخلاق؛ تقدیم امر اضطراری بر امر عادی؛ «تقدیم امر محتمل الأهمیته» و تقدیم براساس برخی خصوصیات خاص اخلاقی هر یک از طرفین.

۹. موارد مجاز نقض رازداری در نظام‌نامه اخلاقی سازمان نظام روانشناسی و مشاوره

جمهوری اسلامی ایران

نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران با ارج نهادن به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و با الهام از تعالیم دینی و با توجه به تنوع فرهنگ‌ها و گستردگی خدمات روان‌شناختی و مشاوره‌ای، و با در نظر گرفتن دستاوردهای علمی و تخصصی روان‌شناسان و مشاوران در ایران و جهان و به منظور تأمین حقوق مهاجران و استفاده کنندگان از خدمات روان‌شناسی و مشاوره و همچنین برای تأمین حقوق روان‌شناسان و مشاوران و حفظ شأن و منزلت آنان تدوین شده است. این نظام‌نامه شامل دو بخش می‌باشد:

۱. اصول عمومی اخلاق حرفه‌ای

۲. استانداردها و ضوابط اخلاق حرفه‌ای

در بند ۴ به استانداردها، ضوابط اخلاق حرفه‌ای و رازداری پرداخته می‌شود. (بهشتی، ۱۳۸۷ / ۱۴۱)

با توجه به عواقب، آثار و آسیب‌های زیان‌بار افشای اسرار و همچنین عنایت بسیار زیاد اسلام به رازداری می‌توان دریافت مهم‌ترین اصل، رعایت این امر در روان‌شناسی و مشاوره است و به جز موارد

بسیار ضروری، نمی‌توان به نقض رازداری اقدام کرد. در بند ۵ ماده ۴ نظام‌نامه اخلاقی سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران این گونه آمده است:

۴ - ۵. روان‌شناسان و مشاوران صرفاً در موارد زیر می‌توانند رازداری را نقض کنند:

۴ - ۵ - ۱. بنا به درخواست و رضایت مراجع یا قیّم قانونی او، مشروط به این که افشای اطلاعات منافع مراجع را به خطر نیندازد.

۴ - ۵ - ۲. وجود خطر جانی برای مراجع یا دیگران؛

۴ - ۵ - ۳. اختلال بیماری‌های مسری کشنده مانند HIV و ایدز؛

۴ - ۵ - ۴. در صورتی که به وسیله قانون یا مراجع قانونی حکم شده باشد. (همان)

تبصره: در صورت نقض رازداری بر اساس موارد فوق، روان‌شناسان و مشاوران برای حفظ منافع مراجعان، تمامی تلاش خود را به کار می‌بندند و افشای اطلاعات را در حداقل ممکن نگاه می‌دارند و حتی‌المقدور مراجع را در جریان افشای اطلاعات قرار می‌دهند. (همان: ۱۴۱ و ۱۴۲)

بررسی

همان طور که بیان گردید رازداری در دین اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از این رو نقض رازداری از نظر اسلام جایز نیست. رازداری در برخی از مشاغل و حرف نقشی کلیدی داشته و در صورت اثبات یا حتی احتمال خلاف آن، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را برای صاحبان این مشاغل به دنبال خواهد داشت، از بین رفتن اعتماد، ریختن شدن آبروی مراجع، سلب آرامش روحی و روانی، به مخاطره افتادن امنیت اجتماعی و ... از جمله این آثار است. حفظ اسرار در هر مشاوره‌ای لازم است و باید نسبت به هر شخصی روا داشته شود. اما اسلام در مواقع بسیار ضروری که جان و عرض مراجع یا شخص دیگری در خطر باشد، نقض رازداری را به حکم عقل و از باب دفع افسد به فساد و با استناد به قاعده «الاهم فالاهم» آن هم در حد ضرورت جایز دانسته است. البته قبل از اقدام به افشای اسرار بر اساس موارد چهارگانه - که قبلاً بیان شد - باید توجه داشت که این موارد دارای شرایط یکسانی نمی‌باشد به عنوان مثال در مورد وجود خطر جانی برای مراجع یا دیگران و اختلال مسری کشنده مانند ایدز می‌توان مراجع را تشویق کرد تا این مسئله را با فرد یا افرادی که با وی ارتباط دارند، در میان گذاشته و همچنین او را به رعایت احتیاط‌های لازم به منظور انتقال ندادن بیماری‌اش به دیگران و ارتباط دائم با پزشک مربوطه‌اش تشویق کرد، اما اگر مراجع ترتیب اثر نداد، از باب مقدم بودن حفظ جان مردم بر امثال این گونه موارد (رازداری) و از باب قاعده تقدیم اهم بر مهم و یا قاعده دفع افسد به فاسد می‌توان نقض رازداری نسبت به افراد ذکر شده را با رعایت

مصالح حقیقی مراجع انجام داد. اما در مورد بند چهار به نظر می‌رسد از نظر اسلام، مطلق «درخواست و حکم قانون و مراجع قانونی مبنی بر نقض رازداری» نمی‌تواند مجوزی برای این نقض باشد، زیرا اولاً افزون بر آن که قوانین تمامی کشورها مبتنی بر قوانین اسلامی نیست، به نظر نمی‌رسد مسئولان قضایی به اندازه مشاوران و روان‌شناسان بر اهمیت رازداری با آن درجه بالایی که ذکر شد، واقف باشند. از این‌رو می‌تواند درخواست نقض رازداری‌ای را داشته باشند که ضرورت چندانی نداشته و موجب سلب اعتماد از حرفه یاری‌رسان مشاوره یا روان‌درمانی شود. علاوه بر آن که مبنای اسلام در جواز نقض رازداری مصالح واقعی است، نه مصالح نسبی که مورد اهتمام نظام‌نامه‌های جاری اخلاقی در کشورهاست بنابراین بهتر است در این مورد از روش‌های دیگر استفاده شود. به بیان دیگر در اینجا هم بنا به قاعده تقدیم اهمّ بر مهمّ که عهده دار رعایت اولویت‌ها در هنگام تعارض ارزش‌ها در شرایط خاص است، عمل نمود. (مطهری، ۱۳۹۰: ۱ / ۲۱) بر اساس قاعده تقدیم اهمّ بر مهمّ بعضی از موارد مجاز نقض رازداری را این‌گونه می‌توان بیان نمود:

۱. حفظ جان و عرض مراجع یا شخص دیگر

از مجموع متون اسلامی می‌توان دریافت که حفظ جان افراد، از مهم‌ترین امور است، تا جایی که خداوند متعال قتل ناحق یک انسان را به مثابه قتل تمام انسان‌ها برمی‌شمارد.

من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً و من احياها فکانما احيا الناس جميعاً. (مائده / ۳۲)

هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته، و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.

بنابراین حفظ جان افراد بر همه چیز مقدم است. همچنین رسول خدا ﷺ در زمینه اهتمام به حفظ عرض و ناموس برادران دینی می‌فرماید:

کسی که آبروی مؤمنی را نگه دارد، بر خداست که او را از آتش آزاد کند. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲ / ۲۹۴)

اگر نقض رازداری با امنیت جانی و عرضی فرد یا افرادی در ارتباط باشد - به طوری که چاره آن فقط نقض رازداری توسط مشاور باشد، در این صورت به حکم قاعده عقلی دفع افسد به فاسد می‌توان نقض

رازداری در حد ضرورت را جایز دانست. این امر در صورت ارتباط بیماری مراجع با امنیت جانی فرد دیگر نیز صدق می‌کند.

۲. اخذ نظر متخصص دیگر

در صورتی که مشاور برای یاری رسانی مطلوب‌تر نیاز به اخذ نظر مشاور یا متخصص دیگری داشته باشد، می‌تواند به نقض رازداری اقدام کند، زیرا ادله لزوم مشورت شامل مشاوران نیز می‌شود و این گروه از مشورت بی‌نیاز نیستند.

امیرالمؤمنین می‌فرماید: «هیچ پشتیبانی بهتر از مشاوره نیست». (نهج‌البلاغه، ۵۴) مشاور نیز می‌تواند برای پشتیبانی کار خود با شخص امینی مشورت داشته باشد، به همین دلیل چاره‌ای جز نقض رازداری ندارد. البته باید قبل از افشای سرّ مراجع، از تخصص و تجربه کافی آن متخصص درباره موضوع مورد مشاوره اطمینان حاصل کند. بدیهی است که نقض رازداری در صورتی است که چاره‌ای جز افشای هویت مراجع نداشته باشد، اما اگر کسب مشورت با مجهول ماندن هویت امکان‌پذیر باشد، نباید رازداری را نقض کند. همان‌طور که بیان شد در منشور اخلاقی روان‌شناسان و مشاوران ایران حفظ اسرار در سوگندنامه آنها مورد توجه قرار گرفته و آنها پیمان بسته‌اند که همواره محرم راز مراجعان بوده، دانسته‌ها و اطلاعات لازمی که در فرایند ارائه خدمات روان‌شناسی و مشاوره از مراجعان خود دریافت می‌دارند را به مثابه امانت‌هایی الهی تلقی نموده، هرگز در محافل خصوصی و مجامع عمومی افشا ننمایند. در این منشور اخلاقی مواردی نظیر الزامات قانونی، شهادت‌های دادگاهی و ضرورت‌های مداخلات سریع درمانی استثناء شده و در این موارد و در مواردی نظیر آنها مشاور یا روان‌شناس می‌تواند نقض راز نماید. و در غیر این صورت نباید هیچ‌گونه از اطلاعات دریافتی را در اختیار کسی قرار دهد.

در نظام‌نامه انجمن مشاوره آمریکا نیز به موارد استثنای اصل رازداری توجه شده است. در بخش «ب» این نظام‌نامه به صورت عام به جواز نقض رازداری با اهداف حرفه‌ای اشاره شده است. اطلاعات بدست آمده از یک رابطه مشاوره‌ای برای اهداف حرفه‌ای، تنها با افرادی که به وضوح درگیر با مراجع هستند، مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد. بر اساس مفاد این نظام‌نامه باید تلاش گردد تا از هویت مراجع حفاظت نموده و از تعرض بی‌دلیل به حریم خصوصی مراجعان خودداری شود. اما در این قانون به صراحت اعلام نشده است منظور از اهداف حرفه‌ای چیست؟ اما می‌توان به اهدافی چون تقاضای دادگاه، تحقیق، احتمال خطر برای شخص ثالث، گسترش دانش و کسب مشورت از دیگر متخصصان اشاره نمود.

(امامی راد و فقیهی، ۱۳۸۹: ۵۰)

نتیجه

رازداری یکی از مهم‌ترین اصول حرفه‌ای در امر مشاوره و روان‌شناسی و دیگر مشاغل نظیر آن است به همین علت در منشور اخلاقی روان‌شناسان و مشاوران مورد توجه قرار گرفته است. این منشور اخلاقی، روان‌شناسان و مشاوران را از نظر اخلاقی متعهد می‌کند که همواره محرم اسرار مراجعان بوده، دانسته و اطلاعات لازمی که در فرآیند ارائه خدمات روان‌شناسی و مشاوره از مراجعان دریافت می‌دارند را به مثابه امانت‌هایی الهی تلقی نموده و هرگز در محافل خصوصی و مجامع عمومی افشا ننمایند. افشای اسرار مراجعان یکی از مهم‌ترین مسائل قابل طرح در اخلاق حرفه‌ای می‌باشد. این که از دیدگاه شریعت مقدس اسلام تا چه حد ما مجاز به افشای اسرار دیگران هستیم مسئله مهمی است. آن چه مسلم است نقض رازداری از نظر اسلام جایز نیست. اما در مواقع بسیار ضروری که جان و عرض مراجع یا شخص دیگری در خطر باشد در این صورت با تشخیص مصلحت و به حکم عقلی و از باب قاعده الایم فالایم و دفع افسد به فاسد آن هم در حد ضرورت جایز دانسته شده است. اما در مورد الزامات قانونی، شهادت‌های دادگاهی و ضرورت‌های مداخلات سریع درمانی به نظر می‌رسد باید حتی‌الامکان از روش‌های دیگری که منجر به برملا شدن اسرار نشود، بهره ببرند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. آیتی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۶، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۶ ق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، دارالشریف الرضی للنشر.
۵. تویسرکانی، محمد نبی، ۱۳۷۳، لنالی الاخبار، قم، مکتبه علامه.
۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۷. خوانساری، جمال‌الدین محمد، ۱۳۶۶، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح میر جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، دانشگاه تهران.
۸. دشتی، محمد، ۱۳۸۱، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، قم، انتشارات مشهور.
۹. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ ق، اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت، دارالعلم الدار الشامیه.

۱۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۰۹ ق، منیه المرید، مصحح رضا مختاری، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۲. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، بی تا، الارشاد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه اسلامیة.
۱۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۸۳، شرح اصول الکافی، مصحح محمد خواجهوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۴. طریحی، فخرالدین، ۱۳۶۷، مجمع البحرین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۸۷، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام.
۱۶. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۹۳، اخلاق حرفه‌ای، تهران، نشر مجنون.
۱۷. قضاعی، محمد بن سلامه، ۱۳۶۱، شرح فارسی شهاب الاخبار، مصحح جلال الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۰. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۶، میزان الحکمه، قم، سازمان چاپ و نشر دارلحدیث.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۵، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، صدرا.
۲۳. مظفر، محمدرضا، ۱۴۲۴ ق، اصول فقه، قم، جهان.
۲۴. معین، محمد، ۱۳۷۱، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۱، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴۲.
۲۶. نائینی، محمد حسین، ۱۴۰۴ ق، فوائد الاصول (تقریر محمد علی کاظمی)، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۷. نجفی، محمد حسین، ۱۴۱۰ ق، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۸. نراقی، محمد مهدی، ۱۳۶۶، جامع السعاده، ترجمه دکتر سید جلال الدین مجتوبی، تهران، حکمت.

مقاله

۲۹. امامی راد، احمد و علی نقی فقیهی، ۱۳۸۹، «مقایسه مسائل اخلاقی، رازداری، تقوا و دوری از شهوت پرستی در مشاوره اسلامی و نظام نامه اخلاقی انجمن مشاوره آمریکا (ACA)»، مجله روان‌شناسی دین، س سوم، ش ۴، ص ۶۰ - ۳۳، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۰. بهرامی، محسن و احد فرامرز قراملکی، ۱۳۹۱، «تحلیل مفهومی تعارضات اخلاقی»، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره پنجم، ش ۲، ص ۴۴ - ۳۲، تهران، مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.
۳۱. بهشتی، محمد، ۱۳۷۹، «اهداف مشاوره از دیدگاه اسلام»، مجموعه مقالات اولین همایش مشاوره از دیدگاه اسلامی، قم، دفتر نشر معارف.
۳۲. _____، ۱۳۸۷، «نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای»، فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، ش ۴۹ و ۵۰، ص ۱۴۸ - ۱۳۷، مشهد.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی